

گزارش

تنها ۳۲ درصد از درآمد‌های نفتی مشخص شده در بودجه وصول شد

روایت‌های متناقض از صادرات نفت

در مورد میزان صادرات نفت ایران در ماه‌های سپتامبر و اکتبر، نهاد‌های بین‌المللی و داخلی نظراتی متفاوتی دارند. در حالی که وزیر نفت شرایط فروش نفت را خوب توصیف کرده است و وزیر اقتصاد نیز از کاهش نیافتن درآمد‌های نفتی خبر داده، ارزیابی‌های موسسه تانکرترکز نیز آن را تایید می‌کند، اما از سوی دیگر، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس از کاهش وصول درآمد‌های نفتی و افزایش تخفیف‌های نفتی خبر داده است. موضوع افزایش تخفیف‌های نفتی و کاهش صادرات نفت ایران به تایید موسسه کپلر و رویترز نیز رسیده است. تنها ۲۲ درصد از درآمد‌های نفتی پیش‌بینی شده در بودجه وصول شده است محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت، هفتم‌ابان‌ماه در حاشیه حیات دولت عنوان کرد: «حیف که نمی‌توانم عدد صادرات نفت را بگویم. اگر عدد می‌گفتم متوجه می‌شدید که شرایط خیلی بهتر از گذشته است.» بر خلاف این ادعا، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس از کاهش صادرات و البته وصول نشدن درآمد‌های نفتی خبر داده است. هادی قوامی، نائب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، عنوان کرد: «در بودجه امسال برای واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای که عمده آن درآمد‌های نفتی است؛ ۹۲۰ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شد. بنابراین در شش ماه اول باید ۴۷۴ هزار میلیارد از این مبلغ وصول می‌شد اما آن‌چه که در شش ماه اول امسال وصول شده ۱۵۱ هزار میلیارد بوده، یعنی فقط ۳۲ درصد آن وصول شده است و در این ردیف بیش از ۳۲۲ هزار میلیارد تومان عدم تحقق وجود دارد.» قیمت هر بشکه نفت حدود ۲۰ دلار کاهش یافته و میزان فروش نفت کمتر از ۱٫۶ میلیون بشکه است.

سیگنال‌ها و درآمد نفتی

علی مدنی زاده، وزیر اقتصاد، روز چهارشنبه، عنوان کرد: «بحث‌هایی از کاهش درآمد‌های نفتی نداریم و سیگنالی از کاهش درآمد‌های نفتی نیست و طبق روال در دستور کار بودجه قرار می‌گیرد.» آن‌طور که از اظهارات وزیر اقتصاد پیداست، او ادعای رویترز و البته نائب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس را رد کرده است. اما در همین زمینه باید پرسید موضوع دریافت نشدن سیگنال به چه معناست؟ درآمد‌های نفتی‌ای به‌طور معمول وصول شده‌اند یا اخلاقی در روند وصول درآمد‌های نفتی ایجاد شده و همان‌طور که نائب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس گفته، تنها ۲۲ درصد از درآمد‌های نفتی پیش‌بینی شده وصول شده‌اند. با این حال باید پرسید چطور وزیر اقتصاد به‌طور دقیق نمی‌داند در درآمد‌های نفتی وصول شده‌اند یا خیر صحبت از نبود سیگنال به میان آورده است؟ آیا مفهوم «سیگنال کاهش درآمد نفتی» ادبیات جدیدی است که در راس وزارت اقتصاد مطرح می‌شود؟ آیا صحبت از «دریافت سیگنال» به معنای آن است که وزارت اقتصاد نقش چندانی در رابطه با درآمد‌های نفتی و پیگیری آنها ندارد؟ در نهایت این پرسش مطرح می‌شود که اگر کاهش درآمد‌های نفتی رخ نداده است، پس چرا اثری از کاهش تالطم‌های ارزی با توجه به ورود درآمد‌های ارزی نفتی به کشور در متغیرهای کلان اقتصادی به چشم نمی‌خورد؟

بررسی ادعای مطرح شده

تانکرترکز به عنوان موسسه ردیاب کشتی‌ها در جهان در این زمینه مدعی شده است: «در ماه اکتبر، صادرات نفت ایران برای دومین ماه پیاپی در سطح بسیار بالایی قرار داشته است. میزان صادرات نفت ایران در سپتامبر نیز ۲۹۵ به بیش از ۱۹۱ میلیون بشکه در روز رسیده است که رکوردی است که از اواسط ۲۰۱۸ به بعد ثبت نشده بود.» بر خلاف ادعای تانکر ترکز، کپلر و رویترز روایت دیگری از صادرات نفت ایران دارند. بر اساس داده‌های کپلر، واردات نفت ایران که حدود ۱۴ درصد از کل واردات نفت خام چین را تشکیل می‌دهد، در ماه سپتامبر به ۱.۲ میلیون بشکه در روز کاهش یافته است که این میزان کمترین مقدار از ماه مه تاکنون و کمتر از میانگین ۱.۳۸ میلیون بشکه در روز در سال جاری است. به گفته رویترز، پیشنهاد‌های فروش برای نفت سبک ایران برای تحویل در ماه دسامبر به تخفیف‌هایی بیش از هشت دلار در هر بشکه نسبت به شاخص نفت برنت کاهش یافته است. در حالی که این تخفیف در سیتامبر حدود شش دلار و در ماه مارس نزدیک به سه دلار بود. به گفته منابع تجاری، پیشنهاد‌های خرید نیز به حدود ۱۰ دلار تخفیف در هر بشکه سقوط کرده است، چراکه خریداران خواهان جبران ریسک‌های ناشی از تحریم‌ها و مشکلات احتمالی در ریند‌های چین هنگام تخلیه محموله‌ها هستند.

شفافیت و اقتصاد نفتی

آن‌طور که از اظهارات رویترز پیداست، صورت سهمیه جدید برای واردات نفت توسط پالایشگاه‌های چینی می‌تواند منجر به افزایش خرید نفت ایران توسط چین شود. اکنون بنا بر ادعای رویترز، میزان عرضه نفت ایران بسیار زیاد است و تخفیف‌های نفتی برای فروش این نفت افزایش یافته است. شاید بتوان علت عمده این وضعیت را اتمام سهمیه وارداتی پالایشگاه‌های چینی در سال دانست. زمانی که سهمیه وارداتی تنها خریداران نفت ایران کاهش یابد، آنها خرید نفت را نیز کاهش می‌دهند و ایران نیز مجبور می‌شود تا برای فروش نفت خود، تخفیف‌های بیشتری به خریداران بدهد.

شنبه
۱۷ • ۰۸ • ۱۴۰۴

۱۷ جمادی الاول ۱۴۴۷ / ۰۸ نوامبر ۲۰۲۵

سال هشتم

شماره ۲۲۴۶

سید جلال ساداتیان در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

احتمال گسترش درگیری‌های نظامی در یمن



ترامپ و نتانیاهو نقشه‌های پیچیده‌ای

برای منطقه دارند

آرمان ملی- احسان اسحاقی: بعد از ارسال پیام ایالات متحده آمریکا به عراق در عالی‌ترین سطح مبنی بر اینکه نیروهای مقاومت مردمی این کشور نباید در تحرکات هفته‌های آینده در منطقه دخالت کنند، عراق صراحتا اعلام کرده است که این نیروها به شرط اینکه نیروهای ائتلاف از عراق خارج شوند، در ارتش ادغام و بخشی از آنها که لباس رزم از تن درآورند نمی‌توانند به عنوان عنصر سیاسی در این کشور به زست سیاسی خود ادامه دهند. تمام این موارد نشان دهنده آن است که منطقه در آستانه تحولی بزرگ است چراکه ظاهرا ایالات متحده آمریکا و اسرائیل قصد دارند دور جدیدی از نقشه‌های امنیتی خود را در منطقه اجرایی کنند که سوگیری‌های آن مربوط به گروه‌هایی است که از نظر نظامی برای اسرائیل چالش ایجاد کرده‌اند. اکنون

گویا منطقه در آستانه ورود به درگیری‌های جدید است.

آمریکا به عراق پیام‌هایی ارسال کرده که این برداشت از دل آن پیام قابل برداشت است. به نظر شما چه خواهد شد؟ بعد از ارسال این پیام تحلیل‌های مختلفی مطرح شده است. همان‌طور که شاهد بودیم بعد از ارسال این پیام نوعی جنگ روانی در محافل کارشناسی منطقه راه افتاد که بله، منطقه در آستانه شرایط جدید و تنش فرایند به قرار دارد. اکنون محافل کارشناسی تحت تاثیر این شرایط معتقدند بعد از جاف‌افتادن این جنگ روانی به نقطه و نقاطی ضرباتی وارد خواهد شد.

نقطه‌ای که ایالات متحده احتمالا به آن حمله خواهد کرد کجاست و چه توجیهی برای این حمله خواهد داشت؟ کشورهایی را که نیروهای مقاومت مردمی در آن فعال هستند، در نظر دارند. به نظر بنده چون آمریکا باید برای هرگونه تحرک نظامی توجیهی برای افکار عمومی خود در نظر بگیرد، احتمالا مساله امنیت آب‌های بین‌المللی را مطرح می‌کند و به بهانه اینکه نیروهای انصارا... در یمن در طول ۲ سال گذشته امنیت خلیج عدن را با چالش روبه‌رو کرده‌اند، احتمالا در نظر دارند به یمن حمله کنند. مساله امنیت در دریای سرخ برای آمریکا از اهمیت برخوردار است البته نقاط دیگر نیز احتمالا از تحرک آمریکا در امان نخواهند بود، چراکه به نظر آمریکایی‌ها تضعیف نیروهای مقاومت مردمی در منطقه را در نظر دارند.

خوب تحرکات نظامی نیز در مرز یمن و عربستان دیده شده است. احتمال اینکه عربستان بخواهد در این مرحله نقش آفرینی کند چقدر است؟

عربستان که در گذشته و برای مدتی تحرکات نظامی زیادی علیه حوثی‌ها در یمن انجام داد در نهایت ضربات مهلکی در آرامکوور برخی نقاط دیگر دریافت کرد و بعد از آن شاهد آتش‌بس بین دو طرف بودیم. در آن مقطع عربستان اگر نواسته بود ضرباتی را به جایگاه نظامی حوثی‌ها در منطقه وارد کند قطعا آنها نمی‌توانستند در حمله به اسرائیل نقش آفرینی کنند. حال آنکه شاهد بودیم که یمن حتی به رغم حملات جدی آمریکا و اسرائیل در تمام طول جنگ حملات جدی علیه تل‌آویو را در دستور کار قرار داد حتی تا روزهای قبل از آتش‌بس بین اسرائیل و حماس نیز شاهد چنین حملاتی بودیم. البته در آن مقطع امارات متحده عربی نیز وارد درگیری شد اما هم امارات و هم عربستان خود را از یمن بیرون کشیدند. اکنون البته بعد نیست آمریکا و متحدانش بعد از اینکه اسرائیل سطحی از حملات را علیه یمن انجام داده، بخواهند کار نیمه تمام قبلی را تمام کنند. به عبارتی آمریکا احتمالا با ورود به جنگ یمن قصد دارد کار یمن را تمام کند لذا اینکه در به تحرکات و پیغام و سغام‌ها آمریکا و اسرائیل قصد داشته باشند مساله یمن را به زعم خود به نقطه پایانی برسانند، دور از ذهن نیست.

واقعا چرا یمن در این حد برای آمریکا و اسرائیلی‌ها مهم است که حتی احتمال حمله بزرگ آمریکا به آن وجود دارد؟

یمن توانسته به اسرائیل ضربات جدی وارد کند. یمن حتی در حملات اسرائیل به لبنان هم به صورت مستقیم وارد شد. یمنی‌ها شجاعانه‌تر از هر گروه دیگری وارد درگیری با اسرائیل شدند، لذا یمن اکنون به یک قدرت غیرقابل انکار علیه اسرائیل تبدیل شده است. ضمن اینکه حملات حوثی‌ها

armanmeli.ir

آرمان ملی

سیاست

ذره بین

چگونه مذاکرات ایران و آمریکا به درگیری نظامی منجر شد؟

چهار عامل کلیدی که بدون اصلاح آن بازگشت به توافق ممکن نیست

میان آوریل و مه ۲۰۲۵، ایران و ایالات متحده پنج دور گفت‌وگوهای هسته‌ای را پشت سر گذاشتند و قرار بود دور ششم در میانه ژوئن برگزار شود. اما تنها دو روز پیش از آغاز آن، اسرائیل با حمایت عملیاتی آمریکا به زیرساخت‌های نظامی و هسته‌ای ایران حمله کرد. نه روز بعد، ایالات متحده به‌طور مستقیم وارد تقابل نظامی شد و تاسیسات فردو، اصفهان و نطنز را هدف قرار داد. تهران در پاسخ، با شلیک پهپاد‌ها و موشک‌ها به اهداف نظامی و غیرنظامی در اسرائیل واکنش نشان داد. پس از آنکه ایران یک پایگاه آمریکا در قطر را با موشک هدف قرار داد، واشنگتن میان دو طرف آتش‌بس برقرار کرد. بنیاد کارنگی برای صلح نوشت: در ایران، این حملات به شهادت گروهی از دانشمندان هسته‌ای و فرماندهان ارشد نظامی انجامید و تلفات انسانی نیز بر جای گذاشت. در اسرائیل نیز شلیک موشک‌ها و پهپاد‌های ایرانی به کشته و زخمی شدن شمار قابل توجهی از افراد منجر شد. این مقاله در پی آن است که توضیح دهد چگونه و چرا در شرایطی که مذاکرات هسته‌ای در جریان بود، دو طرف به تقابل نظامی مستقیم کشیده شدند.

مقابله جویی و افزایش تنش‌ها

چرخه تقابل میان اجبار آمریکا و پاسخ‌های مقابله جویانه ایران، نخستین عامل در تضعیف روند مذاکرات بود و فضای بی‌اعتمادی را تشدید کرد. اجبار آمریکا شامل تشدید تحریم‌ها و تهدیدهای مستقیم به اقدام نظامی می‌شد. ترامپ در نخستین هفته‌های دور دوم ریاست جمهوری خود به مشاوران نظامی اجازه داد در صورت تلاش تهران برای تروار، ایران را هدف قرار دهند. او کارزار فشار حداکثری را احیا کرد و در نامه‌ای به آیت‌ا... خامنه‌ای، رهبر ایران مهلت ۶۰ روزه برای دستیابی به توافق تعیین نمود. تهران در ابتدا مذاکره مستقیم را رد و تهدید به اقدام نظامی کرد. این واکنش موجب شد واشنگتن بر شدت تحریم‌ها بیفزاید و سطح تهدیدها را افزایش دهد. این فشار دو پیامد متضاد ایجاد کرد: از یک سو تنش‌ها را تشدید کرد و از سوی دیگر تهران را به دلیل نگرانی از تهدید بقای نظام به سمت مذاکره سوق داد. با وجود آغاز گفت‌وگوها، سطح تنش‌ها در اوایل آوریل بار دیگر اوج گرفت. ترامپ اعلام کرد اگر برنامه هسته‌ای ایران برپیده نشود، اسرائیل حمله خواهد کرد. تهران نیز با زارسن آژانس را اخراج و تهدید کرد که برنامه هسته‌ای را گسترش خواهد داد. در دور دوم مذاکرات در رم، آمریکا پیشنهاد‌های اقتصادی ایران را رد کرد و در دور سوم در مسقط بار دیگر بر ضرب الاجل ۶۰ روزه تأکید نمود. ایران این ضرب‌الاجل را غیرواقعی دانست و آمریکا را واکنش، تحریم‌ها را تشدید کرد. در دور چهارم، ایران مذاکرات را به تعویق انداخت و سطح شعارهای تبلیابی و تهدیدهای نظامی افزایش یافت. در همین مرحله، ترامپ اعلام کرد که نام «خلیج فارس» را به «خلیج عربی» تغییر خواهد داد و حساسیت‌های ملی در ایران را به شدت تحریک کرد. با وجود ادامه گفت‌وگوها در دور پنجم، سیاست اجبار آمریکا همچنان تداوم یافت. واشنگتن تحریم‌ها را به‌گونه‌ای موقت تعلیق کرد، اما بلافاصله تحریم‌های ثانویه جدیدی اعمال نمود که موجب شد تهران پیشنهاد توافق را رد کند. در آستانه دور ششم، تهدیدهای آمریکا و آماده‌سازی‌های نظامی دو طرف افزایش یافت. سرانجام در ۱۳ ژوئن، اسرائیل حمله را آغاز کرد و جنگی دوازده‌روزه شکل گرفت. ایران بر این باور قرار گرفت که آمریکا مذاکرات را به عنوان پوششی برای فراهم‌سازی حملات اسرائیل مورد استفاده قرار داده است و این امر سطح بی‌اعتمادی را به شدت افزایش داد.

اختلاف در شکل مذاکرات

عامل دوم، اختلاف در مدل مذاکرات بود و روند گفت‌وگو را شکننده کرد. واشنگتن خواهان مذاکرات مستقیم و دستیابی به یک توافق جامع بود؛ در حالی‌که تهران بر مذاکرات غیرمستقیم، تدریجی و مرحله‌ای با فشاری می‌کرد. این گفت‌وگوها عمدتاً با میانجی‌گری عمان پیش می‌رفت و تماس‌های مستقیم در سطحی محدود باقی می‌ماند. هدف آمریکا دستیابی به توافقی فراتر از برجام بود؛ توافقی که شامل غنی‌سازی صفر، برچیدن کامل برنامه هسته‌ای و توقف حمایت ایران از نیروهای منطقه‌ای در برابر رفع تحریم‌ها می‌شد. در مقابل، تهران طرحی سه‌مرحله‌ای ارائه داد که شامل کاهش تدریجی غنی‌سازی، بازگرداندن بازرسان و انتقال کنترل شده ذخایر هسته‌ای می‌شد. این طرح بر رفع مرحله‌ای تحریم‌ها و ارائه تضمین‌های حقوقی تأکید می‌کرد. تهران اعلام کرد اگر سیاست فشار حداکثری از سوی آمریکا پایان یابد، آماده کاهش تنش‌های منطقه‌ای خواهد بود، اما اصرار واشنگتن بر توافقی جامع و یک مرحله‌ای از ابتدا روند را دشوار و پرتنش کرد.

مانع بزرگ در مسیر توافق

عامل سوم، رویکرد حداکثری آمریکا در موضوع غنی‌سازی بود و روند مذاکرات را تحت فشار قرار داد. واشنگتن در هر پنج دور گفت‌وگو بر اصل «غنی‌سازی صفر» تأکید کرد. ایران این مطالبه را ناقض حق حاکمیتی خود به عنوان عضو ان پی تی دانست و آن را غیرقابل قبول ارزیابی کرد. در مقابل، تهران بر حفظ حداقل سطح غنی‌سازی صلح‌آمیز و انتقال مرحله‌ای ذخایر هسته‌ای در پایان فرایند توافق تأکید می‌کرد. در دور چهارم مذاکرات، ایران پیشنهاد تشکیل یک کنسرسیوم مشترک غنی‌سازی با مشارکت کشورهای عربی و سرمایه‌گذاری آمریکا را ارائه داد و آن را راهکاری برای شفافیت و مدیریت مشترک معرفی کرد. اما واشنگتن این پیشنهاد را رد کرد و بر موضع حداکثری خود با فشاری نمود. عامل چهارم، نقش اسرائیل و فشارهای گنگره آمریکا بود و روند مذاکرات را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار داد. نتانیاهو توانست ترامپ را متقاعد کند که اعلام کند اسرائیل در صورت عدم توقف کامل برنامه هسته‌ای ایران، حمله خواهد کرد. جمهوری خواهان گنگره نیز اعلام کردند تصویب هر توافقی مشروط به پایان کامل غنی‌سازی و برچیدن برنامه موشکی و نیروهای نیابتی ایران خواهد بود و این شرط‌گذاری‌ها فضای مذاکره را سخت‌تر کرد.

این سوال به وجود می‌آید که آنچه آمریکایی‌ها در ارتباط با این گروه‌ها در نظر دارند چیست؟ آیا آنها قصد دارند به یمن، لبنان، عراق به صورت هم زمان حمله کنند یا اینکه نقشه دیگری در نظر آنهاست و آیا ترامپ که احتمالا این نقشه را در هماهنگی با محافل امنیتی اسرائیل آماده کرده است خود را در باتلاقی خونی در خاورمیانه خواهد انداخت که اگر چنین شود او دیگر نخواهد توانست مدعی باشد که بسیاری از جنگ‌ها را در جهان به اتمام رسانده است، چرا که حمله آمریکا به این گروه‌ها در منطقه کلاف سردرگم دیگری را پیش روی ایالات متحده آمریکا قرار می‌دهد. «آرمان ملی» برای بررسی این موضوع با سید جلال ساداتیان سفیر پیشین ایران در لندن گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.

در فشاری که آمریکا به منطقه وارد می‌کند، اسرائیل چه نقشی دارد؟

لایبی اسرائیل در آمریکا در حال فشار بر دولت ترامپ است و شبانه‌روز دنبال آتند که ترامپ را وارد درگیری دیگری کنند. آنها در نهایت می‌خواهند تسلطی را که دوست دارند در منطقه پیدا کنند، اما هر نقطه‌ای عامل مقاومت برای آنها دردسرساز است. آمریکا و اسرائیل می‌خواهند یکپارچگی مقاومت را در منطقه به چالش بکشند. آنها فکری می‌کنند با توجه به حوادثی که اتفاق افتاده و تحولاتی که در منطقه از سوره تا لبنان ایجاد شده، می‌توانند کار اتمام کنند؛ البته با توجه به اولویت‌هایی که گفته شد.

آیا واقعا می‌توانند حشدالشعبی را در عراق از بین ببرند؟ بعید به نظر می‌رسد. حشد الشعبی در عراق در یک نقطه و پاویگاه خاص و حتی چند نقطه خاص تجمع نبوده که آنها بپایند و آنها را بزنند. حشد الشعبی در تمام عراق گسترده شده است. در نهایت این هشدار به عراق داده شده که دولت عراق این گروه را کنترل کند که در حمایت از حوثی‌ها و حزب... کاری انجام ندهد. همچنین این گروه‌ها را در نظر داشته باشند که در صورت اینکه آمریکا وارد فاز عملیاتی در منطقه شدن این گروه به پایگاه‌های آمریکا در منطقه حمله نکند. به نظر چنین داستانی را در نظر دارند. ضمن اینکه تحولات درونی عراق را هم در نظر دارند و علاقه مند هستند با این فشار شرایطی را فراهم آورند که مقاومت در عراق از منظر سیاسی در اقلیت قرار گیرد و دولت را وادار کنند که جریانات را تحت کنترل قرار دهند. این وضعیت باعث می‌شود جریاناتی که به آنها نزدیک هستند رای بالاتری بیآورند. از این جهت باید گفت هشدار آمریکایی‌ها در عراق چندوجهی است، هم کنترل حشدالشعبی را در معادلات منطقه در نظر دارند و هم می‌خواهند با چنین اقدامی نفوذ این گروه را در فضای سیاسی عراق به حداقل برسانند.

به نظر شما می‌توانند در عراق به اهداف خود برسند؟

برای پاسخ به این سوال باید دید که آیا آمریکا در عراق و منطقه موفق عمل کرده است و یا در بسیاری از این موارد با موانع جدی مواجه شده است، که البته اینگونه نبوده و با موانع متعدد مواجه شده است. آمریکا با اروپا و چین اکنون بر سر تعرفه‌های گمرکی با چالش‌های اساسی روبه‌رو است و به هیچ‌کدام از خواسته‌هایش به صورت صد درصدی نرسیده است. آمریکا درگیری نیز به نتیجه نرسیده، در اوکراین هم همین‌طور. در واقع این مسائل برای آمریکا بسیار اهمیت دارند. چراکه در خاطر همه هنوز هست که ترامپ اعلام کرده بود به سرعت با یوتین به صلح می‌رسد و جنگ اوکراین را تمام می‌کند و به نتیجه نرسید. ترامپ با سادگی تصویری که همین که چنین چیزی را اعلام کرده، کافی است و حتما به نتیجه می‌رسد. با همه اینها نباید تردید داشت که آمریکا با اسرائیل در منطقه هماهنگ است، اما اینکه می‌تواند برنامه‌ها و نقشه‌های خود را عملی کند یا نه، محل تردید بسیار است.

پیام آمریکا در سطح وزیر جنگ به وزیر دفاع عراق موجب گمانه‌زنی بسیار بوده است. به نظر شما حمله به نیروهای حشدالشعبی در عراق چقدر جدی است؟

آمریکایی‌ها به دولت عراق هشدار داده‌اند که خود عراقی‌ها این گروه و تحرکات آن را در منطقه کنترل کنند. البته انتخابات در عراق مسائل را پیچیده کرده است. عراق هم از جمله

هشدار آمریکایی‌ها در عراق چندوجهی است، هم کنترل حشدالشعبی را در معادلات منطقه در نظر دارند و هم می‌خواهند با چنین اقدامی نفوذ این گروه را در فضای سیاسی عراق به حداقل برسانند

اشارف برو جردی:

حاکمیت موضع خود را در مقابل تندروها مشخص کند

که بپایند در سطح جامعه و اتاق عفاف و حجاب مجدداً فعال شده است و این‌ها قرار است ورود به صحنه پیدا کنند، می‌بینیم که آنها‌یی هم که شالی دور گردنشان بود همان را هم برداشته‌اند این یعنی تقابل دو تفکر و اندیشه که عده‌ای می‌خواهند بپایند و وارد میدان شوند و سعی کنند افرادی را که حجاب ندارند به قول خودشان سرچایشان بشناند، اما عملاً با این روش‌ها نتایج‌ای به دست نخواهند آورد. وی افزود: من بر این باورم که حاکمیت باید موضع خود را در مقابل این‌ها برای یک بار هم که شده مشخص کند و در برابر این رفتارها مقابله کند و علیه این رفتارها موضع بگیرد. درست است که می‌گویند نیروی انتظامی وارد گود است اما عملاً اصل قصه توسط کسانی است که به نحوی می‌خواهند چهره جمهوری اسلامی را تخریب کرده و زمینه را

فراهم کنند برای گام‌هایی که منت‌هی به خشونت اجتماعی می‌شود و در نهایت زمینه‌ر افراهم می‌کنند برای اینکه بتوانند خواسته‌خودشان را محقق کنند. وی در پاسخ به این سوال که با توجه به اینکه مقام معظم رهبری بارها بعد از جنگ اعلام کرده‌اند که نباید خدشه‌ای به انسجام ملی ایجاد شود، برخی اقدامات و اظهارات می‌تواند به انسجام و وحدت ایجاد شده خدشه وارد کند، گفت: قطعاً این اقدامات منت‌هی بوده‌ خدشه به انسجام ملی خواهد شد. کسانی که این تفکر را دارند خودشان را قدرت مطلق تصور می‌کنند و واقع هم تاکنون جلوی اینها گرفته نشده است حاکمیت باید به صراحت در مقابل اینها موضع بگیرد تا این‌ها فکر نکنند یک‌تا می‌دان هستند و هرچه که خودشان اراده کنند و بخواهند همان محقق شود.